

The background is a solid green color with a repeating pattern of white line-art icons. These icons include a graduation cap, a lightbulb, a target with an arrow, a bar chart, a clock, a document with a checklist, a person wearing glasses, a book, a hand holding a trophy, a computer monitor with a line graph, a gear, and a presentation board with the letters 'ABC'.

# ProjehCenter

[www.ProjehCenter.ir](http://www.ProjehCenter.ir)

 | @projehcenter

 | @projehcenter\_ir



...

## فهرست مطالب

| صفحه    | موضوع  |
|---------|--|
| ۱.....  | تفاوت های جنسیت در پذیرفتن پیشنهادات جنسی.....                   |
| ۲.....  | پیش زمینه کلی.....   |
| ۲.....  | نظر زیست شناسان اجتماعی.....                                     |
| ۵.....  | بعد فرهنگی.....  |
| ۸.....  | تفاوت های جنسیت در علاقه به آثار نوشته شده و نوارهای شهوانی..... |
| ۹.....  | تفاوت های جنسی در پاسخدهی به فیلم های شهوانی.....                |
| ۱۱..... | تفاوت های جنسیت در فعالیت جنسی.....                              |
| ۱۵..... | پیش زمینه این تحقیق.....   |
| ۱۸..... | روش.....   |
| ۲۱..... | نتایج و بحث.....   |

عنوان :

تفاوت های جنسیت در پذیرفتن

پیشنهادات جنسی

## تفاوت های جنسیت در پذیرفتن پیشنهادات جنسی

راسل د. کلاک . دانشگاه ایالت فلوریدا

النیل ها تفلید. دانشگاه هاوایی در مونوآ

با توجه به نگرشات کلیشه ای، فرهنگی مردان نسبت به زنان در زمینه روابط جنسی علاقمند تر هستند، احتمال اینکه زنان فعالیت جنسی را محدود سازند بیشتر است. در این مقاله، به کار صاحب نظرانی که در حمایت از این مسئله بحث کرده اند اشاره می کنیم و به بررسی اطلاعات مصاحبه ای و ارتباطی که این موضوع مورد و بحث را مورد حمایت قرار می دهند می پردازیم. در پایان، به دو آزمایش تجربی از این فرضیه رجوع می کنیم. در این آزمایشات، که در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۸۲ انجام شد، حد معمول علاقه هم پیمانان مرد و زن با یکی از سه تقاضا با معشوقه احتمالی برخورد می کند: امشب بریم بیرون؟ یا به آپارتمانم می آئی؟ یا من همبستر می شی؟ اکثر مردان مایلند با زنی که به آنها نزدیک شده است یک رابطه نامشروع جنسی داشته باشند. زنان اینگونه نیستند. هیچ زنی موافق با یک رابطه نامشروع جنسی نمی باشد. بسیاری از دلایل احتمالی برای این تفاوت های جنسی اشاره شده مورد بحث قرار گرفته اند. این مطالعات در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۲ صورت گرفتند. از زمانی که چگونگی تهدید ایدز در مبتلا کردن مردان و زنانی که مایل به ملاقات هم، رفتن به آپارتمان، یا در شرایط غیر منتظره جنسی قرار گرفتن دنبال شد، این مسئله اهمیت یافت.

## پیش زمینه کلی

با توجه به نگرشات کلیشه ای فرهنگی، مردان برای رابطه جنسی علاقمندتر هستند، این زنانند که محدودیتها در چنین فعالیت هایی قائل می شوند (مک کورمیک<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹، هاتفیلد<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳، و پپلین<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳). صاحب نظران از گوناگونی در نسبت با این اظهار نظر موافق بوده اند. آنچه که آنان اختلاف نظر دارند در این مورد است که چرا چنین تفاوت هایی در جنسیت وجود دارد. محققان مصاحبه و اطلاعات ارتباطی زیادی را جمع آوری کرده اند که حمایت فراوانی را برای این موضوع مورد بحث فراهم ساخته اند. با این وجود، هیچگونه حمایت عملی برای این فرضیه وجود ندارد. در این تحقیق، آزمایشی تجربی از این موضوع را گزارش می دهیم. اجازه دهید با مرور تئوری و اطلاعات موجود شروع کنیم.

## نظر زیست شناسان اجتماعی

از قدیم، تعیین کننده های زیست شناختی همچون زیگموند فروید<sup>۴</sup> نشان دادند که زیست شناسی سرنوشت می باشد و اینکه علاقه در فعالیت های جنسی اصولاً از طریق ژن ها، آناتومی، (کالبدشناسی) و هورمونها مشخص می شود. اولین زیست شناسان اجتماعی فرض کرده بودند که مردان و زنان از لحاظ ژنتیکی به گونه ای تنظیم شده اند

---

<sup>۱</sup> - MC cormick

<sup>۲</sup> - Hatfield

<sup>۳</sup> - Peplin

<sup>۴</sup> - Sigmund Freud

که ذاتاً علاقمند به مهار/ تجربه جنسی هستند. (هاگن،<sup>۱</sup> ۱۹۷۹، کندریک،<sup>۲</sup> ۱۹۸۷، سیمونز،<sup>۳</sup> ۱۹۷۹، یا ویلسون،<sup>۴</sup> ۱۹۷۵ را ملاحظه نمایید). سیمونز (۱۹۷۹) اظهار داشت که احتمالاً مقایسه مردان و زنان موثرترین شیوه موجود در مرتب کردن اطلاعات گوناگون در زمینه تمایلات جنسی انسان می باشد (صفحه ۴). حیوانات آن دسته از صفات را به ارث می برند که تضمین می کنند تا همان اندازه ژنهایشان را تا حد امکان به نسل بعدی منتقل خواهند کرد. این مسئله مزیتی هم برای زن و هم برای مرد است که به همان اندازه تا جایی که امکان دارد بچه ای زنده را بدنیا آورند. اما مردان و زنان در یک لحاظ مهم تفاوت دارند. برای اینکه فرزندی بوجود آید، مردان نیاز دارند که تنها مقداری ناچیز انرژی مصرف کنند، احتمالاً یک مرد می تواند پدر تقریباً تعداد زیادی از بچه ها باشد. برعکس، یک زن می تواند تنها تعدادی محدود فرزند را بدنیا آورد و بزرگ کند، این مسئله به نفع اوست (زن) که آن بچه های کمی که آبستن شده است را حفظ کند. سیمونز اظهار داشت “تفاوت های بسیار زیاد جنسی در حداقل نیروگذاری والدین و در فرصت های تکثیر و محدودیت ها روشن می سازد که چرا انسان اندیشه ورز- یک انسان با تفاوت های کم جنسی- تفاوت های کامل جنسی در روان را نشان می دهد” (صفحه ۴). در بین تفاوت هایی که سیمونز نقل کرده است این موارد وجود دارند: (۱) مردان علاقه مند به معشوقه های مختلف جنسی می باشند؛ زنان اینگونه نیستند؛ (۲) برای

---

<sup>1</sup> - Hagen

<sup>2</sup> - Kendrick

<sup>3</sup> - Symons

<sup>4</sup> - Wilson

مردها فعالیت های جنسی برابر با جوانی است. برای زنان فعالیتهای جنسی مساوی با قدرت سیاسی و اقتصادی است؛ مردان به طور جدی هر گونه دلیلی را برای رها نکردن زنان دارند (آنان از لحاظ ژنتیکی طوری برنامه ریزی شده اند که تا جایی که امکان دارد زنان زیادی را آبستن کنند. زنان هر دلیلی برای “کمرو” شدن دارند. زمان می گیرد تا مشخص سازیم آیا مرد یک خطر ژنتیکی - این احتمال دارد که پرورشی. حفاظتی. تولیدی باشد - است. در تمام جوامع، زنان بعنوان خدمت به مرد آمیزش می کنند. نه بر عکس آن. اخیراً زیست شناسان اجتماعی و روانشناسان اجتماعی کشف کرده اند که روند کمی پیچیده تر از آن است که در ابتدا تصور می شد. کرت فروند<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۸۳ و ۱۹۸۶) اظهار داشتند که عشقبازی بطور طبیعی شامل چهار مرحله است: a) اولین نظر و موقعیت یک معشوقه احتمالی (b) رفتار متقابل قبل از لمس کردن (برای مثال، لبخند زدن به کسی، خندیدن، عشوه گری کردن، صحبت کردن، c) تاثیر متقابل لامسه ای (لمس کردن، در آغوش گرفتن) و d) سبب برخورد اندام های جنسی شدن. تعداد زیادی از نویسندگان بیشتر از آنچه که جامعه شناسان زیست شناختی تصور می کرده اند متوجه شده اند که زنان نقش بسیار موثری را در سه مرحله اول از (معاشقه) عشقبازی دارند، آنها بیشتر از کمک عمل می کنند، همچون دروازه بانها که کار را متوقف می سازند. گالیر،<sup>۲</sup> تراویس،<sup>۳</sup> و آلگییر،<sup>۴</sup> ۱۹۸۶؛ مور،<sup>۱</sup> ۱۹۸۵؛ پرپر،<sup>۲</sup> ۱۹۸۵ را ملاحظه نمایید).

---

<sup>۱</sup> - Kurt freund

<sup>۲</sup> -Gaulier

<sup>۳</sup> -Travis

<sup>۴</sup> -All geier



برای مثال مور (۱۹۸۵) متوجه شد که در بارِ زنان و مردان مجرد، آن زن است که ارتباط را آغاز می کند. آنها تمایل خود را به شیوه های مختلفی با اشاره می رسانند - با لبخند زدن، خندیدن، تکان دادن سرشان، یا بالا کشیدن دامنشان، گاهی خودنمایی می کنند ( در طول اتاق با حرکت دادن زیاد باسن خود قدم می زنند. شکم را فشار داده. سر را بالا کرده، پشت را قوس داده، بنابراین سینه هایشان به جلو کشیده می شود. ) سپس نزدیک می شوند - به سمت مرد و موقعیت خود که در دو قدمی اشان است می روند. رفتار بعدی بستگی به مرد دارد. در صورتیکه مرد تمایل داشته باشد. هر دو شروع به صحبت می کنند. با این وجود، بالاخره مردها هستند که باید ظاهراً روابط جنسی را آغاز کنند. به خصوص اولین باری که رابطه جنسی رخ می دهد. پس از آن، اگرچه معمولاً مردان آغاز کنند ارتباط ه روابط جنسی می باشند زنان در سهمیم بودن شروع مختارتر هستند.

## بعد فرهنگی

در سمت دیگر طیف آنهایی هستند که استدلال می کنند رفتار جنسی آموخته می شود (برنارد،<sup>۳</sup> ۱۹۷۳؛ بایرن و بایرن،<sup>۴</sup> ۱۹۷۷؛ فایراستون،<sup>۵</sup> ۱۹۷۰؛ فوکالد،<sup>۶</sup> ۱۹۷۸؛

---

<sup>1</sup> -Moore

<sup>2</sup> -Perper

<sup>3</sup> -Bernard

<sup>4</sup> -Byrne

<sup>5</sup> -Fivestone

<sup>6</sup> -Foucault

گریفیت و هاتفیلد،<sup>۱</sup> ۱۹۸۴؛ رابین،<sup>۲</sup> ۱۹۷۳؛ تاوریس<sup>۳</sup> و آفریر،<sup>۴</sup> ۱۹۷۷؛ سافیلیوس،<sup>۵</sup> رودزچایلد<sup>۶</sup> ۱۹۷۷؛ یاهاثفیلد و والستر،<sup>۷</sup> ۱۹۷۸). با توجه به این طرح، مردان و زنان به سادگی متن نمایشنامه هایی را که برای شروع رویارویی جنسی مناسب و مربوط به پیشنهادات جنسی می باشد را فرا می گیرند، آنها به آسانی یاد گرفته اند که از نظر جنسی نسبتاً ماجراجویا محتاط باشند همانگونه که فرهنگشان انتظار دارد که باشند. پاداش ها و مجازات های فرهنگی رفتار را شکل می دهند. از اینرو، اگر مردان نسبت به زنان نسبتاً ماجراجوتر هستند، صرفاً بدین دلیل است که فرهنگ آنها را تشویق می کند که اینگونه باشند. در اواخر ۱۹۷۰ میلادی، زمانی که این مطالعه ترتیب داده شد، پژوهشگران مارکسیست و طرفدار آزادی زنان حدس می زدند که بافت اجتماعی \_ سیاسی احتمال دارد دست کم بر کسانی که تصور می شود علاقمند به مسائل جنسی باشند/ افرادی که از آن منع می شوند، آنهایی که مورد مجازات قرار می گیرند/ کسانی که در پی زیر پا گذاشتن قوانین جنسی نمی باشند، و حتی هر گونه پیش نوازی و موقعیتهای جنسی که گمان می شود نرمال (عادی) باشند، قدری تأثیر داشته باشد. به دلیل اینکه آن مورد یک جامعه مرد سالاری است، شاید، آنها معیارهای جنسی موجود را که مربوط به برآورده ساختن نیازهای مردان می باشد را ادامه داده اند. شاید این مردان هستند که

---

<sup>1</sup> -Griffitt

<sup>2</sup> -Rubin

<sup>3</sup> -Tavvis

<sup>4</sup> -Offir

<sup>5</sup> -Safilios

<sup>6</sup> -Rothschild

<sup>7</sup> -Walster

مورد تشویق قرار می گیرند تا خود را از طریق آمیزش جنسی به زنانی که برای انجام چنین کاری مجازات می شوند، نشان دهند. این مسئله شیوه ای از آمیزش جنسی است که مردان ترجیح می دهند ( یعنی هماغوشی عادی ) در حد معمولی مورد توجه قرار گیرند و کارهایی را که زنان مایلند ( یعنی در آغوش گرفتن، فرج لیبی ) به فراموشی سپرده شوند. از اینرو جای هیچگونه شکی نیست که مردان متوجه شده اند که آمیزش جنسی در قالب های معمول خود خوشایند تر از آن است که برای زنان باشد ( فایراستون، ۱۹۷۰ و آلگییر و مک کورمیک، ۱۹۸۳). البته، ( در سال ۱۹۸۰ میلادی، قدرت فشارهای اجتماعی \_ سیاسی قبل از تهدید ایدز، که رفتار جنسی را بطور یکسان خطری هم برای مرد و هم زن می سازد، اهمیت خود را از دست می دهد. از اینرو، احتمال دارد پیش بینی شود که از اواخر سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی، مردان و زنان در زمینه فعالیت جنسی بسیار محتاط شوند. ( بنابراین، تفاوت های جنسیت در پذیرفتن پیشنهادات جنسی ممکن است به زودی محو گردد ). بدون توجه به نظریه پردازانی که در مواردی چون: چرا اشتیاق مردان و زنان در زمینه مسائل جنسی، برعکس گرایش های آنها در محدود ساختن فعالیت جنسی تفاوت دارد، بحث می کنند؛ مدارکی وجود دارد که نشان می دهد نظریات آنها امکان دارد صحیح باشد - حتی در حال حاضر، بنظر می رسد که مردان و زنان هنوز در زمینه فعالیت های جنسی بطور متفاوتی باهم تفاوت دارند.

## تفاوت های جنسیت در علاقه به آثار نوشته شده و نوارهای شهوانی

از قدیم، ادبیات شهوانی برای مردان نوشته می شده است. فرض بر این بوده است که زنان علاقه به اینگونه مسائل ندارند. کینزی،<sup>۱</sup> (۱۹۴۸ و ۱۹۵۳) متوجه شد احتمال این مورد در زنان خیلی کمتر از مردانی است که پیوسته مواجه با ادبیات شهوانی بوده اند، و حتی در هنگامیکه مرد و زن با چنین ادبیاتی آشنا باشند، مردان بیشتر از زنان گزارش داده اند که با ادبیات شهوانی تحریک می شوند. برای مثال، ۴۷٪ از مردها گزارش دادند که با داستانهای شهوانی تحریک می شوند. تنها ۱۴٪ از زنان اعلام کردند که با مراحل تحریک آشنا هستند. ایزارد و کاپلان (۱۹۷۴) هر دو متوجه شدند که مردان بیشتری نسبت به زنان علاقه و تحریک در برابر عبارات شهوانی را گزارش داده اند. با این وجود، اخیراً، محققان پرسش از مردان و زنان در مورد احساساتشان و ارزیابی های عینی از برانگیختگی روانی در مقابل ادبیات شهوانی را آغاز کردند. ( بطور کلی برای انجام این مورد آنها از دو ابزار استفاده کردند: یک فشارسنج آلت تناسلی مرد و یک در چنین مطالعاتی، محققان در کل متوجه شدند که مردان و زنان اغلب علاقه متفاوتی را نسبت به ادبیات شهوانی گزارش می دهند، مدارک واقعی و عینی نشان میدهند که هر دو به یک اندازه تحریک می شوند. برای مثال، ویچ<sup>۲</sup> و گریفیت (۱۹۸۰) به هیچگونه تفاوتی جنسیتی در برابر ادبیات شهوانی پی نبردند. در حقیقت برخی از اطلاعات نشان می دهند که نمایش های صریح و آشکار از فعالیت جنسی ممکن است پاسخدهی یکسان یا

---

<sup>۱</sup> -Kinsey

<sup>۲</sup> -Veitch

بیشتری را در زنان نسبت به مردان باعث شود. جکوبوویتس<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) کشف کرد که زنان نسبت به مردان همواره به داستانهای شهوانی بی پرده و وقیح بیشتر علاقمند هستند و از نظر جنسی بیشتر تحریک می شوند. هیمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۷) پی برد که مردان و زنان هر دو حدس زده اند که نوارهای صوتی صرفاً عاشقانه نسبت به نوارهای صوتی که یا عاشقانه و شهوانی است یا صرفاً رویارویی های جنسی شهوانی را نشان می دهند، تأثیر کمتری دارند. در حقیقت زنان بیشتر از مردها تخمین زدند که نوارهای صوتی شهوانی صریح بیشتر باعث تحریک می شود. هیمن متوجه شد که هیچ گونه تفاوت های جنسی در ارزیابی های فیزیولوژیکی از تحریک جنسی وجود ندارد.

### تفاوت های جنسی در پاسخدهی به فیلم های شهوانی

بنظر می رسد که علاقه مردان در ادبیات شهوانی بیشتر از زنان است.<sup>۳</sup> کنریک و همکارانش (۱۹۸۰) به مردان و زنان فرصتی دادند تا برای آزمایشی که در آن ادبیات شهوانی بکار رفته بود شرکت کنند. احتمال شرکت مردها برای چنین آزمایشی بیشتر از زنان بود. خصوصاً زنان در نقش آموزی جنسی در چنین آزمایشهایی ناراضی بودند. همچنین، چندین مطالعه با سند و مدرک اثبات کرده اند که احتمالاً ممکن است مردان نسبت به زنان در مقابل فیلم های شهوانی تأثیر پذیرتر باشند ( برای مثال،

---

<sup>۱</sup> -Jakobovits

<sup>۲</sup> -Heiman

<sup>۳</sup> -Kenrick

آبلسون،<sup>۱</sup> ۱۹۷۰؛ برگر،<sup>۲</sup> گانگن،<sup>۳</sup> سیمون، ۱۹۷۰؛ بایرن ولامبرد،<sup>۴</sup> ۱۹۷۰؛ گریفیت، ۱۹۷۵؛ هیمن، ۱۹۷۷؛ ایزارد<sup>۵</sup> و کاپلان،<sup>۶</sup> ۱۹۷۴؛ جکوبوتیس ۱۹۶۵؛ کینزی، ۱۹۵۳؛ موشر،<sup>۷</sup> ۱۹۷۳؛ اسمیت<sup>۸</sup> و سگوش<sup>۹</sup>، ۱۹۷۰؛ استیل<sup>۱۰</sup> و واکر،<sup>۱۱</sup> ۱۹۷۴). نمونه این یافته ها مواردی از آبلسون ( ۱۹۸۰) است که کشف کرد تنها ۷٪ از زنان غیر از ۲۰٪ مردان گزارش داده اند هنگامی که عکس های صریح را مشاهده می کنند، تحریک می شوند. هاتفیلد (۱۹۷۸) به ۶۱۴ مرد و زن فیلم های جنسی بی پرده و آشکاری از مردان و زنان را نشان داد که استمناء می کردند یا به هم جنس گرایی یا ناهم جنس گرایی پرداخته بودند. آنها دو سؤال پرسیدند: اول، آیا مردان و زنان از نظر اینکه با فیلم های جنسی صریح و بی پرده زود تحریک می شوند با هم تفاوت دارند؟ پاسخ به این سؤال اول « نه » بود. مولفان تحریک جنسی را در دو شیوه مورد ارزیابی قرار دارند توسط میزان احساس از بایرن - شفیلد<sup>۱۲</sup> (۱۹۶۵) و از طریق میزان تحریک فیزیولوژیکی گریفیت (۱۹۷۵). در هر دو ارزیابی تراز تحریک مرد و زن تقریباً یکسان بود. دوم اینکه، آنها پرسیدند آیا احساس مردان و زنان از اینکه چقدر مردها در مقابل هنرپیشه های زن تحریک می شوند، فرق می کند؟ در اینجا پاسخ بلی است. هم مردان و هم زنان با دیدن شخصی از

---

<sup>1</sup> -Abelson

<sup>2</sup> -Berger

<sup>3</sup> -Gagnon

<sup>4</sup> -Lamberth

<sup>5</sup> -Izard

<sup>6</sup> -Caplan

<sup>7</sup> -Mosher

<sup>8</sup> -Schmidt

<sup>9</sup> -Segush

<sup>10</sup> -Steele

<sup>11</sup> -Walker

<sup>12</sup> -Sheffild

جنس مخالف که استمناء کرده یا آمیزش جنسی داشته است بیشترین تحریک از نظر جنسی را داشته است، با دیدن فردی از جنس خود که چنین کارهایی را انجام داده است کمتر مورد تحریک قرار می گیرد.

## تفاوت های جنسیت در فعالیت جنسی

از قدیم، نظریه پردازان تصور کرده اند که مسائل جنسی برای مردان بسیار مهمتر است تا برای زنان. کینزی و همکارانش ( ۱۹۴۸ و ۱۹۵۳) سعی کردند فعالیت جنسی مردان را با زنان در کل زندگی اشان مورد ارزیابی قرار دهند. آنها از مردان و زنان پرسیدند هر چند وقت طی یک هفته عادی ارگاسم دارند - بدون توجه به اینکه ارگاسم را به شیوه رویاهای جنسی، نوازش جنسی، استمناء یا آمیزش جنسی، تجاربی از هم جنس خواهی، یا تماس با حیوانات کسب کرده باشند - . آنها متوجه شدند که: ۱- در واقع بنظر می رسد که مردان بیشتر از زنان به فعالیت جنسی می پردازند. ۲- مردان و زنان تاریخچه های جنسی متفاوتی را داشته اند. در ۱۸ سالگی این مردان بودند که سعی در آمیزش جنسی داشته اند. اکثر مردها همانگونه که برای همیشه خواهند بود از نظر جنسی در ۱۵ سال پر احساس بوده اند. در حقیقت با توجه به تحقیقات مسترز و جانسون ( ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰) ۲۵٪ از مردان از سن ۶۵ و ۵۰٪ در ۷۵ سالگی ناتوان جنسی هستند. تجربه زنان بطور چشمگیری متفاوت است. بیشتر زن ها در آغاز کردن فعالیت جنسی کند هستند. در ۱۵ سالگی، اکثر زنان کاملاً غیر فعال می باشند. گاهی بین ۱۶ و

۲۰ سالگی، بیشترین فعالیت از نظر جنسی را شروع می کنند. بنظر می رسد علاقه جنسی آنها تا اواخر ۴۰ سالگی اشان به میزان زیادی باقی بماند. در اظهار نظر در زمینه تاریخچه های جنسی زنان، کینزی (۱۹۵۳) اعلام داشت: یکی از تراژدی هایی که در برخی ازدواجها ظاهر می شود به این دلیل بوجود می آید که ممکن است مرد در سالهای آغازین ازدواجش بیشترین علاقه و اشتیاق را برای تماس جنسی داشته باشد، در حالی که واکنش های زنان هنوز کمتر بوجود آمده است و زن ها هنوز برای رها کردن خود از قید و بندهای اکتسابی که آنها را از شرکت آزادانه در فعالیت زناشویی باز می دارند به کشمکش می پردازند. اما در سال های بعد اکثر زنان کمتر خود را منع می کنند و علاقه در روابط جنسی را افزایش می دهند، که ممکن است تا پنجاه یا حتی شصت سالگی این تمایل را حفظ کنند. اما بهر حال امکان دارد میزان واکنش های مرد در علاقه اش نسبت به مقاربت، بویژه مقاربت با همسری که از قبل به درخواست های زیاد او که ممکن است شدیداً کم شده باشد، بسیار زیاد کاهش یافته باشد. در زمان کینزی یک معیاری دو گانه وجود داشت. به مردانی که مورد تشویق و حمایت قرار نگرفته بودند اجازه داده شد در هر زمان و هر مکانی که می توانستند آمیزش جنسی داشته باشند. به زنان سفارش شد که خود را حفظ کنند. ( بیکر،<sup>۱</sup> ۱۹۷۴؛ ارمان<sup>۲</sup> ۱۹۵۹؛ کاتسی<sup>۳</sup> و دیویس<sup>۴</sup> ۱۹۷۰؛ ریس.

---

<sup>۱</sup> -baker

<sup>۲</sup> -Ehrmann

<sup>۳</sup> -Kaats

<sup>۴</sup> -Davis



۱۹۶۷؛ اسکوفیلد.<sup>۲</sup> ۱۹۶۵؛ یا سورنسون.<sup>۳</sup> ۱۹۷۳ را ملاحظه کنید ). با توجه به معیار استاندارد دو گانه. ، جای تعجب نبود که ارمان (۱۹۵۹) متوجه گردید دانشجویان دختر و پسر دانشگاه گزارش داده اند که به احتمال زیاد این مرد است که مایل می باشد تا آمیزش جنسی را شروع کند و به احتمال بیشتر، زن در برابر پیشنهادات اغواگرانه جنسی مقاومت می کند. مدرک بسیار جدیدی نشان می دهد که معیارهای قدیمی، اگر چه در حال تغییرند، اما از بین نرفته اند. برای مثال، اطلاعات کاملاً جدید نشان می دهند که تقریباً همیشه مردها هستند که یک رابطه جنسی را آغاز می کنند. در حالیکه مطالعه اخیر نشان می دهد که دانش جویان امروزی معیار دو گانه جنسی را رد می کنند هاپکینز<sup>۴</sup> ۱۹۷۷؛ کوماروسکی.<sup>۵</sup> ۱۹۷۶؛ پیلو.<sup>۶</sup> رابین. و هیل.<sup>۷</sup> ۱۹۷۶). به نظر نمی رسد که این معیار جدید نگرش کلیشه ای فرهنگی از اینکه مردان آغاز کننده آمیزش جنسی و زنان محدود کننده هستند را تغییر دهد. ( مک کورمیک، ۱۹۷۹). در یکی از مطالعات اخیر، پیلو (۱۹۷۷) کشف کرد که، در بین دانشجویانی که ازدواج نکرده اند، زنان همچون دروازه بان انجام وظیفه می کنند، او قدرت رد فعالیت جنسی را دارد. در حالیکه زوجین روابط جنسی دارند، با این وجود، مرد حرف بیشتری برای نوع و تکرار فعالیت جنسی دارد. مدارک قاطعی وجود دارند که بهر حال یک معیاری با توجه به تجربه جنسی در حال

---

<sup>۱</sup> -Reiss

<sup>۲</sup> -Schofield

<sup>۳</sup> -Sorenson

<sup>۴</sup> -Hopkins

<sup>۵</sup> -Komarovsky

<sup>۶</sup> -Peplau

<sup>۷</sup> -Hill

شکل گیری است. در زیر کینزی و محققان ( ارمان، ۱۹۵۹، اسکوفیلد، ۱۹۶۵؛ ریز. ۱۹۶۷؛ سورنسون ۱۹۷۲؛ و دلاماتر<sup>۱</sup> و مک کورکیودیل<sup>۲</sup>. ۱۹۸۰) با تعدادی از جوانان در مورد رفتار جنسی مصاحبه کردند: آیا آنها تاکنون عشق‌بازی کرده اند؟ از چه سنی اینکار را شروع کرده اند؟ آیا بوسه فرانسوی داشته اند؟ سینه و اندام های تناسلی معشوقه خود را نوازش کرده اند؟ با اندام های جنسی خود بازی کرده اند؟ آیا آمیزش جنسی داشته اند؟ آمیزش جنسی با اندام های خارجی تناسلی داشته اند؟ هنگامیکه اطلاعات این مطالعه ها را مورد مقایسه قرار دادند، متوجه شدیم که، به راستی یک انقلاب جنسی در حال رخ دادن است. در مطالعه قبلی بطور کلی مردان بیشتر از زنان مورد آزمایش قرار گرفته بودند. از سال ۱۹۸۰ میلادی، این تفاوت ها تقریباً محو شده است. همچنانکه دلامتر و مک کورکیودیل (۱۹۸۰) اظهار می کنند: در آغاز هر عمل رفتاری تقریباً هیچ تفاوتی وجود ندارد. برخلاف اکثر مطالعات قبلی که بطور کلی گزارش داده بودند در بین زنان فعالیت های جنسی زیاد، کم می باشد، متوجه شده ایم که حتی زنان همچون مردان در این کارها شرکت کرده اند. تنها استثناء در مقاربت وجود دارد یعنی احتمال اینکه زنان تجربه کرده باشند کمتر است. ( در بین دانشجویان ۷۵٪ از مردان و ۶۰ درصد از زنان آمیزش جنسی داشته اند. از میان آنهایی که دانشجو نبوده اند، ۷۹٪ مرد و ۷۲٪ زن آمیزش جنسی داشته اند.) دلامتر و مک کورکیودیل ادامه می دهند: بنابراین، تفاوت های جنسی در رفتار دوران زندگی که قطعاً در مطالعاتی که در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰

---

<sup>1</sup> -Delamater

<sup>2</sup> -Maccorquodale

میلا دی صورت گرفت بطور قابل ملاحظه ای کاهش یافته است. این مسئله یافته ای مهم نیز می باشد: و همچنین نشان می دهد آن طرح ها و الگوهایی که جنسیت را بعنوان متغیری توصیفی مورد تأکید قرار می دهند، اعتباری طولانی ندارند.

### پیش زمینه این تحقیق

در اکثر بخش های روانشناسی اجتماعی، طرح آزمایشی، الگوئی بوده است. فقط جدیداً است که بحرانی در روانشناسی اجتماعی رخ داده است. و روانشناسان اجتماعی کار خود را در پیش بردن یکی دیگر از یافته های آزمایشگاهی همراه با مشاهدات طبیعت گرایی افرادی که در واکنش های متقابل پیچیده اجتماعی شرکت کرده بودند را آغاز نموده اند. تنها در زمینه رفتار جنسی انسان، اصول روانشناسی اجتماعی معکوس شده است. تاکنون، مطالعات در زمینه عشق و موضوعات جنسی ممنوع بوده است. (بارچید<sup>۱</sup> و هاتفیلد [والستر]<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸). تا هم اکنون، دانشمندان تقریباً مجبور بوده اند بیشتر به مصاحبه ها و مطالعات طبیعت گرایی در زمینه این اطلاعات متکی باشند. اخیراً محققان بررسی تجارب آزمایشگاهی را آغاز کرده بودند (بایرن و بایرن ۱۹۷۷). این پژوهش آزمایشی اثبات شده است. این پژوهش دارای اثر عمیقی بر تفکر ما در مورد عطش جنسی انسان داشته است. برای مثال، در سال ۱۹۵۳ کینزی و دیگران آورده اند که زنان و مردان در توانایی بالقوه اشان در پاسخ به پیشینه شهوانی بسیار متفاوت بوده اند، که

---

<sup>۱</sup> -Berscheid

<sup>۲</sup> -Walster

این را می توان در نوارها و فیلم ها دید. این تفاوت به قدری زیاد است که ممکن است به عنوان متغیرهای بسیار متفاوت در نظر گرفته شود. با رسیدن سال ۱۹۷۸ اگر چه پژوهش آزمایشگاهی بسیار قاطعی شده بود اما بسیاری از پژوهشگران را متقاعد ساخته بود که زنان و مردان بسیار به یکدیگر شبیه هستند، اگرچه در توانایی اشان برای برانگیخته شدن شهوانی یکسان نمی باشد. (رجوع کنید به هاید ۱۹۷۹ بایرن و بایرن ۱۹۷۷) تاکنون، مطالعات تجربی کمی از مردان و زنانی که در شیوه شروع / رد آمیزش جنسی شرکت کرده اند وجود دارد. بدیهی است که در زندگی واقعی روند رابطه نزدیک، یک بالت پیچیده و دشوار است. ظاهراً تصور می شود که مرد آغاز کننده آمیزش جنسی است. اما او چگونه می تواند بی قید و بند باشد؟ آیا می تواند کمی ساده لوح باشد؟ یا اینکه باید بطور غیر مستقیم موثر باشد ( مک کورمیک. ۱۹۷۹ را ملاحظه نمایید). بطور یقین. اکثر مردان به زن پیشنهادی می دهند. آنها برخی از تمایلات و علاقه های زن را جستجو می کنند. در ارتباطات زندگی واقعی مرد منتظر می ماند تا اینکه زن قبل از دعوت پذیرا باشد. چه کسی، چه کسی را دعوت می کند؟ چگونه زن می تواند راحت دعوتی را بپذیرد؟ آیا اکثر مردها با احساسات و اشتیاق زیاد، مضطرب می شوند؟ چرا چنین تحولاتی سبب می شود که آنها « نه » بگویند؟ آیا اکثر مردها لذت برند؟ این موارد سوالاتی هستند که تنها با آزمایش های سنجیده و حساب شده می توانند پاسخ داده شوند. به آسانی آزمایش بعدی را شروع می کنیم. سوالی روشن و قابل فهم را پرسیدیم: مردها در مقابل زن ها نسبت به پذیرفتن دعوت آمیزش جنسی چقدر پذیرا می

باشند؟ اگر مرد یا زنی نسبتاً جذاب به افراد جنس مخالف نزدیک شود و با آنها قرار ملاقات بگذارد یا درخواست آمیزش جنسی کند، مرد یا زن چگونه جواب خواهند داد؟ می توانیم دو احتمال بسیار مختلف را تصور کنیم:

۱- فرضیه سنتی: مردان و زنان همانگونه که زیست شناسان اجتماعی، نظریه پردازان احتمالی فرهنگی، و نگرشات کلیشه ای اجتماعی پیش بینی کرده اند، پاسخ خواهند داد. از یک رابطه زنان خواستار عشق هستند، مردان آمیزش جنسی می خواهند. مردها بلافاصله با آمیزش جنسی موافقت خواهند کرد، ولی زنان نه. بیشتر تحقیقاتی را که در بخش ۱ شرح دادیم از چنین فرضیه ای دفاع می کند.

۲- فرضیه دو جنسیتی بودن: بهر حال، ممکن است مردان و زنانی وجود داشته باشند که مانند نگرشات کلیشه ای اجتماعی ای که اظهار می شوند، چندان متفاوت نباشند. بارها، محققان متوجه شده اند که گاهی مردان و زنان در واکنش به شیوه های بسیار مختلف، انتظار آمیزش جنسی دارند، زمانیکه مردان واقعی و زنان واقعی خود را در موقعیتهای طبیعت گرایی دچار کردند، به همان شیوه واکنش نشان می دهند. ( مک کوبی<sup>۱</sup> و جک لین، ۱۹۷۴؛ گریفیت و هاتفیلد. ۱۹۸۴). احتمال دارد هم مردان و هم زنان بیشتر از آنچه که کسی انتظار داشته باشد نسبت به دعوت برای آمیزش جنسی بسیار پذیرا باشند. (اطلاعات از افرادی چون دلامتر و مک کورکیودل، ۱۹۷۹ ممکن است چنین نتیجه ای را نشان دهد. ) یا اینکه، ممکن است همانگونه که انتظار می رود،

---

<sup>۱</sup> - Mac Coby

<sup>۲</sup> - Jacklin

هم مرد و هم زن بسیار کم پذیرا باشند. از قدیم، از مردان انتظار می رفته که وارد پیشنهادات جنسی شوند. فرض شد که زن‌ها آنها را نپذیرند. اما برخی از محققان حدس زده اند مردان و زنان هر دو ممکن است از آمیزش جنسی اتفاقی هراس داشته باشند. برای مثال، هاتفیلد ( والستر ) (۱۹۷۳)، در مطالعه ای از واکنش های مردان نسبت به « آسان به دست آوردن زن » کشف کردند که، مردها برای قرار ملاقات گذاشتن با یک زن راحت و آرام بسیار نگران و معذب هستند. چنین آمیزش های جنسی را بسیار خطرناک می بینند. همچنین ممکن است زنی راحت بدست آید اما خلاص شدن از شر او دشوار باشد. ممکن است جدی شود. شاید او بسیار حشری یا بسیار با محبت شود که سبب شود شما را در جامعه شرمنده سازد. ممکن است دوستانتان هنگامیکه شما را با هم می بینند مسخره کنند. بالاخره، آنها کاملاً خوب متوجه خواهند شد که چرا با او قرار ملاقات گذاشته اید، و احتمال دارد شما دچار بیماری شوید ( اپیدمی های جدید تبخال و ایدز سبب نگرانی ها بویژه بیشتر در زمان کنونی و آینده خواهد شد. بایوم،<sup>۱</sup> ۱۹۸۷ را ملاحظه نمایید. ) تمام این ها موارد احتیاطی بودند که مردان نقل کردند. برای گرفتن پاسخ سئوالمان، آزمایش های بعدی را انجام دادیم.

## روش

همدستان. مطالعه #۱ در سال ۱۹۷۸ و مطالعه #۲ در ۱۹۸۲ انجام شد. در هر دو مطالعه ۵ خانم و ۴ مرد از دانشکده، از کلاس آزمایشگاهی روانشناسی اجتماعی بعنوان

---

<sup>1</sup> -Baum

آزمایشگرها کمک کردند. همگی آنها داوطلب شدند تا موضوعات کسانی را که تنها در ۵ موقعیت متفاوت در محوطه دانشگاه بودند را پیش ببرند. همدست های آزمایش تقریباً ۲۲ ساله و بطور مرتبی لباس معمولی پوشیدند. جذابیت از لحاظ جسمانی مرد و زن همدست ( در آزمایشها ) از کمی بدون جاذبه تا تقریباً جذاب متفاوت بود. مشخص شد که ارزیابی ها از جذابیت همدست ها ( در آزمایش ها ) هیچگونه تأثیری بر نتایج و نداشته و بنابراین از این متغیر بیشتر از این بحث نمی کنیم. موضوعات در هر دو مطالعه #۱ و مطالعه #۲، موارد ۴۸ مرد و ۴۸ زن بودند که در محوطه دانشگاه ایالتی فلوریدا قرار گرفتند بطور تصادفی شانزده مورد در ۶ موقعیت اختصاص داده شده اند، شیوه. همدست ( در آزمایش ها ) در یکی از پنج گوشه چهار گوش های دانشگاه ایستاد. و به افراد جنس مخالف که بطور کلی یکدیگر را نمی شناختند نزدیک شد. درخواست کننده ها در هر زمانی در هر نقطه ای فقط یک تقاضا کردند. به درخواست کننده ها آموزش داده شد که تنها به مواردی که بقدر کافی جذاب بوده و واقعاً تمایل دارند اگر فرصتی داده شود با آنها همبستر شوند نزدیک گردند ( البته، با این فرض که آنها در گروه های دیگر نیز مناسب بودند ). در یک درجه بندی از ۱ تا ۹ ( ۱ = خیلی غیر جذاب، ۹ = بسیار جذاب ) همدست های زن  $\bar{M} = 7.30$  مورد مرد را تخمین زدند. همدست های مرد  $\bar{M} = 7.70$  مورد زن را به حساب آوردند. ( این ارزیابی ها بطور چشمگیری متفاوت نبودند؛  $t < 1.00$  تخمین همدست ها مشخص ساخت که آنها فقط مواردی از زن و مرد را که نسبتاً جذاب تا بسیار جذاب بوده اند را انتخاب کردند. هنگامی که موردی انتخاب شد، درخواست کننده به آن

زن / مرد نزدیک شده و گفت: در محوطه دانشکده متوجه تو شده بودم و تو را که خیلی جذابی پیدا کردم. سپس همدست از مورد یکی از سه سوال را می پرسد: با من امشب بیرون می آیی؟ امشب به آپارتمانم می آیی؟ یا امشب با من همبستر می شوی؟ بنابراین، این روند در یک طرح فاکتوریل  $2 \times 3$  منتج می شود [ حنسیت درخواست کننده ( ۲ سطح ) \* نوع درخواست ( سه سطح )]. درخواست کننده دفترچه ای را که شامل یکی از سه تقاضای نوشته شده در یک صفحه جداگانه است، را در دست دارد. نوع تقاضا به طور نامنظم برای هر درخواست کننده مشخص شده است. بعد از انتخاب یک مورد، هر درخواست کننده یک صفحه در دفترچه را روق می زند تا ببیند که چه نوع درخواستی باید کند. درخواست ها طی روزهای هفته صورت گرفتند تا احتمال رد موارد بدلیل گذاشتن قرار ملاقات یا دیگر وظایف اجتماعی کاهش یابند. در بین فواصل کلاس یا در طی هوای بارانی موارد به یکدیگر نزدیک نشدند. از موارد گزارش ها درخواست شد و برای شرکتشان از آنها قدردانی شد.



جدول ۱-۲. مطالعه # ۱، ۱۹۷۸، درصد موافقت با هر درخواست

| جنسیت درخواست کننده |     | نوع درخواست |          |
|---------------------|-----|-------------|----------|
| مرد                 | زن  | قرار ملاقات |          |
|                     |     | آپارتمان    | همخوابگی |
| ۵۶٪                 | ۵۰٪ | ۶٪          | ۰٪       |
|                     |     | ۶۴٪         | ۷۵٪      |

## نتایج و بحث

آنالیز طرح کا- اسکوئر  $3 \times 3 \times 2$  برای تجزیه اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت ( وینر، ۱۹۷۱). در مطالعه #۱، که در سال ۱۹۷۸ صورت گرفت، نتایج نشان دادند احتمال اینکه مردان نسبت به زنان به هر دو نوع دعوتی بلی بگویند بیشتر است ( ۶۵٪ در مقابل ۲۱٪،  $P < .001$  و  $X^2(1) = 18.78$ ) با این حال، همانگونه که می توان به وضوح در جدول ۱-۲ مشاهده کرد، آمیزش جنسی درخواست کننده ها - آمیزش جنسی مورد با نوع دعوت ارتباط داشته است -  $P < .001$  و  $X^2(2) = 29.33$ . در حالیکه مردان و زنان هر دو مایل بودند در یک تاریخ بیرون بروند، تنها مردها بودند که با رفتن به آپارتمان زن و همبستر شدن با او موافقت داشتند.  $P < .01$  و  $X^2(1) = 9.30$  و  $P < .001$  و  $X^2(2) = 12.52$ . در مطالعه #۲، که در سال ۱۹۸۲ انجام شد، نتایجی را که بدست آوردیم تقریباً با مواردی که در بالا شرح داده شد یکسان بودند. بار دیگر، احتمال اینکه مردان به هر نوع

درخواست پاسخ قاطعی دهند بیشتر از زنان بود ( ۶۳٪ در مقابل ۱۷٪  
 $P < .001$  و  $X^2(1) = 21.08$  ). با این وجود، دوباره همانطور که در جدول ۲-۲ می توان  
 ملاحظه نمود، آمیزش جنسی درخواست کننده / آمیزش جنسی مورد با نوع درخواست  
 ارتباط داشت،  $P < .001$  و  $X^2(2) = 23.65$  ). در حالیکه مردان و زنان هر دو بطور برابر  
 خواستار قبول قرار ملاقات بودند،  $X^2(1) = 0$  و s.، تنها مردان بودند که با رفتن به  
 آپارتمان زن  $P < .001$  و  $X^2(1) = 16.76$  یا همبستر شدن با او  
 ( $P < .001$  و  $X^2(1) = 16.76$ ) موافق بودند. بنابراین در هر دو مطالعه، متوجه شدیم که  
 مردان و زنان همانگونه که سنت گرایان از آنها انتظار داشتند پاسخ داده اند. مردان دعوت  
 آمیزش جنسی را بی درنگ و راحت می پذیرند، زنان در انجام اینکار بسیار ناراضی بودند.  
 هم اکنون می دانیم که این مسئله همین گونه می باشد. کاملاً مطمئن نیستیم چرا این  
 امر اینگونه است. همانطور که زیست شناسان اجتماعی اظهار می کنند، این مسئله ممکن  
 است بدین دلیل باشد که زنان برای عشق و تعهد مشتاق تر هستند. مردان مشتاق تر  
 برای آمیزش جنسی اند. اینگونه نظریه پردازی با اطلاعات هماهنگ می باشد. هم مردان  
 و هم زنان مایل بودند که با یک شخص کاملاً غریبه قرار ملاقات بگذارند. ( زمانیکه فردی  
 در تاریخی مشخص بیرون می رود، شخص فرصت دارد حدس بزند احتمال اینکه یک  
 رابطه عشقی ممکن است بوجود آید، وجود دارد ). زنان نمی خواهند به آپارتمان مرد  
 بروند یا اینکه رابطه جنسی داشته باشند. به عبارت دیگر، مردان بطور شگفت انگیزی  
 مایلند به آپارتمان یک زن غریبه رفته تا با او همبستر شوند. (در حقیقت، تمایل آنها در

پذیرفتن دعوت به منظور ملاقات کمتر از داشتن روابط جنسی نمی باشد) طبق این برداشت نسبت به تقاضاها، واکنش هایی از سوی موارد وجود داشته است. بطور کلی، آزمایشگرهای خانم گزارش داده اند که مردان نسبت به تقاضا در آرامش بوده اند. آنها خواهند گفت چرا مجبوریم تا امشب منتظر بمانیم؟ یا امشب نمی توانم، اما فردا خوب است بعضی مردها هستند که « نه » گفتند، حتی عذرخواهی کردند مثلاً، « من ازدواج کرده ام » یا « با کس دیگری دارم می روم. » برعکس پاسخ زن ها به درخواستهای مرد مبنی بر رابطه جنسی اینگونه بوده است: « داری شوخی می کنی، » یا « چه اتفاقی برات افتاده، » « تنهام بذار. » البته، برداشت جامعه شناختی - که زنان علاقمند به عشق هستند و مردان علاقمند به آمیزش جنسی - تنها برداشت احتمالی از این اطلاعات نمی باشد. البته این احتمال دارد که مردان و زنان بطور یسکان علاقمند به آمیزش جنسی باشند، اما مردها نسبت به زنان خطرات کمتری را با پذیرفتن دعوت به رابطه جنسی خواهند داشت. احتمال دارد اطمینان مردان نسبت به زنان در توانائی اشان برای مبارزه با ضرب و شتم فیزیکی بیشتر باشد. همچنین، بقایای معیار دو گانه ممکن است زن را از پذیرفتن دعوت مرد هراسان سازد. بدون توجه به « چرا » این اطلاعات را بدست آوردیم، بهر حال، وجود این تفاوت های جنسی که گفته شد جالب می باشد. احتمالاً ممکن است محققان تصمیم بگیرند روزی این مطالعه را در ۵ سال آینده تکرار کنند تا پی ببرند اپیدمی ایدز چه تأثیری بر الگوهای ارائه شده از نتایج خواهد داشت. برخی مدارک افواهی در شهرهای مهمی همچون نیویورک، شیکاگو، لس آنجلس، و غیره وجود دارد مبنی بر

اینکه هم مردان و هم زنان بسیار نگران آمیزش جنسی تصادفی هستند. ( با یوم، ۱۹۸۷ را ملاحظه نمائید). البته این مسئله باید آشکارا به الگوی قبلی نتایج هشدار دهد. به عبارت دیگر، برخی از محققان ( وینستن، <sup>۱</sup> ۱۹۸۰، ۱۹۸۴) متوجه شدند که افراد جوان هنوز خطرات آمیزش جنسی نامطمئن و خطرناک خود را دست کم گرفته اند و اینکه اکثر افراد جوان مایلند خود را بعنوان شخصی مصون از اتفاقات ناخوشایند تلقی کنند. در آن صورت، ممکن است در آینده از طرح قبلی نتایج، انتظار رود که ادامه پیدا کند.

---

<sup>۱</sup> - Weinstein